

کارشناس مرکز پیش‌بینی اداره کل هواشناسی کرمان با اشاره به اینکه برای هفته جاری جوی پایدار پیش‌بینی می‌شود گفت: اما فردا (سه‌شنبه) از ساعات ظهر شاهد وزش باد لحظه‌ای به‌نسبت شدید در برخی مناطق این استان خواهیم بود. سلاجقه با بیان اینکه امروز نیز شاهد وزش باد در برخی مناطق استان کرمان خواهیم بود تصریح کرد: طبق بررسی آخرین نقشه‌های پیش‌بینی هواشناسی از امروز تا انتهای هفته جاری به استثنای روز سه‌شنبه جوی به‌نسبت پایدار و آرام گاهی همراه با افزایش ابر و وزش باد برای اکثر مناطق استان پیش‌بینی می‌شود و فردا از ساعات ظهر به بعد بر سرعت وزش باد در برخی نقاط افزوده خواهد شد. تصریح کرد: بیشترین میزان سرعت وزش بادهای لحظه‌ای فردا ۴۰ تا ۵۰ کیلومتر بر ساعت پیش‌بینی می‌شود.

استاندار کرمان گفت: برای راه‌اندازی صندوق ملی پسته از طریق معاونت هماهنگی امور اقتصادی پیگیری می‌کنیم تا با مشارکت شرکت‌ها انجام شود. فدakar در سفر به رفسنجان در پاسخ به مطالبات جمعی از صنعتگران و کشاورزان، از حذف تعهد ارزی در برنامه هفتم توسعه برای محصولات کشاورزی خبر داد و اظهار کرد: طبق مصوبه شورای تأمین، شرکت‌های معدنی ملزم شده‌اند محصولات مورد نیاز خود را در صورت موجود بودن در بازار استان از بیرون خریداری نکنند. استاندار کرمان همچنین در پاسخ به درخواست برخی کشاورزان مبنی بر تشکیل صندوق ملی پسته، تصریح کرد: موضوع را از طریق معاون هماهنگی امور اقتصادی پیگیری می‌کنیم تا با مشارکت شرکت‌ها صندوق ملی پسته راه‌اندازی شود.

تأسیس صندوق ملی پسته را پیگیری می‌کنیم

## سردر بازار سنتی سیرجان در محاصره سازه‌های جدید و بدقواره!

# طاق بازار زیر سرنیزه نمای سنگی



نمای شیشه‌ای و... همه و همه دست به دست هم داده‌اند و نه تنها حس و حال تاریخی و نوستالوژی قشنگ بازار سنتی را از بین برده‌اند که به ورودی بازار سنتی سیرجان ظاهری مضحک و در عین حال ناراحت‌کننده بخشیده‌اند. این ظاهر و نمای ورودی بازار سنتی -که نماد هویت تاریخی و فرهنگی شهر سیرجان بوده- نشان از اوج بی‌تدبیری و بی‌برنامگی و حتی کم‌اطلاعی همه‌ی مسئولان ناشایستی است که تا کنون در شهرداری و اداره میراث فرهنگی شهر آمده و رفته‌اند!

سال‌هاست که در سکوت مسئولان و فعالان فرهنگی شهر ما، سردر ورودی یکی از راسته‌های بازار سیرجان با اینکه مشرف به یکی از خیابان‌های اصلی مرکز شهر هم است، مورد تجاوز سازه‌های بدقواره‌ی مغازه‌های مجاور قرار گرفته است! در کمال شگفتی، نمای سنگ سیاه مغازه‌ی ساعت‌سازی را تا دهنه‌ی ورودی بازار تداوم داده‌اند و به معنای واقعی کلمه دهن این بنای تاریخی را سرویس کرده‌اند. آن سوی این دروازه هم که آجری با رنگ قرمز بدون در نظر گرفتن رنگ و اندازه‌ی آجر بافت تاریخی به کار رفته و طاقی با نمای سنگ رومی چسبیده به دهنه‌ی بازار نصب شده است!

دیگر بماند که دست کم تا چند ده متری حریم بصری این اثر هم نیاز بود به مغازه‌ها و تابلوهایشان مجوز هر نوع نما و تابلویی را ندهند و متناسب با بافت تاریخی اجازه‌ی ناماسازی و پروانه‌ی نما صادر کنند. نه تنها این کار را نکرده‌اند که همین انفعال موجب شده برخی سواستفاده کنند و تعرض را هم به شهرهای تاریخی بزرگ را دربیآورند و حداقل مقلدان خوبی باشند. مثلاً بروند و ببینند که در تهران شهرداری

شوند و برای حفظ آبروی سیرجان و مرمت ورودی این راسته‌ی بازار، برنامه‌ای بچینند و در ضمن با ریل‌گذاری مناسب از اینکه در آینده نیز چنین پدیده‌ای دوباره رخ دهد، پیشگیری کنند.

خواسته کرده! امیدواریم شهردار کنونی و مدیر فعلی اداره میراث فرهنگی سیرجان که خود شخصا نقشی در ظهور چنین پدیده‌ای در جلوی بازار سنتی سیرجان نداشته‌اند، دست به کار

شهرداری و میراث فرهنگی در همه‌ی سال‌های مدیران سابق‌شان یا کیلویی مجوز داده‌اند یا اینکه اساساً نظارتی نداشته‌اند و در عمل هرکسی به صورت هرج و مرجی هرکار دلش

### گروه گزارش

سنتور نواز چیره‌دستی بود. وقتی در جشنواره موسیقی نواحی در شهرک مس سرچشمه با نوازندگی چیره‌دستانه‌ی خود خیل جمعیت و داوران را میبهرت هنر خود ساخت و یک تصنیف را روی سنتور وارونه زد، همه برایش دست زدند و هورا کشیدند. انگار استعدادش ذاتی بود. به هرحال در خانواده‌ای اهل موسیقی زاده شده و از کودکی شاگردی پدرش را کرده و با موسیقی بزرگ شده بود. رامشگری با پوست و خون و استخوانش اجین بود و طوری ساز می‌نواخت که خنثای نواختنش می‌شدی. بارها برای سیرجان و هنرش افتخار آفرین شد و خودش هم جایزه برد و مورد تقدیر و تشکر قرار گرفت.

## بادمان

### به بهانه درگذشت علی ستوری سیرجان جوششی که نخروشیده، خاموشید



دیروز وقتی در جمع کافه‌نشینانی که داشتند افسوس از دست رفتن او را می‌خوردند و با گرفتن زنت روشنفکری ناسزا نثار مملکت می‌کردند، اعلام کردم این نوازنده‌ای که اکنون در قطعه هنرمندان آرامستان سیرجان آرمیده حنا در همین ساختار معیوب هم بارها قدر دیده، باورش نمی‌شد. همه‌مان طوری افسون منفی‌بافی رسانه‌های ایران ستیز شده‌ایم که واقعیت اطراف خودمان را هم نمی‌بینیم. واقعیت این است که اگرچه سرنوشت علی ستوری شهر ما نیز چیزی شبیه قصه‌ی فیلم ستوری داریوش مهرجویی شد اما در این میان پس نقش اختیار آدمی چه می‌شود؟ همه چیز که جبر اجتماعی و فرهنگی و سیاسی نیست. اراده‌ی پولادین آدمی را هم نباید فراموش کرد. علی انصاری می‌توانست قدر خودش را بیشتر بداند. هنرمندان هم‌صنفش نیز قدر او را. هوای همدیگر را داشتن چندان سخت نیست و تأثیرش برای منافع صنفی بیشتر از شعار دادن است. خوب به یاد دارم وقتی پس از رتبه‌آوری علی در یک جشنواره با او گپ‌گفتی زدم، تیتیر مصاحبه‌اش شد: «نوازندگی جوششی». تیتیری که موجبات دلخوری برخی اهالی موسیقی سیرجان را نیز فراهم آورده بود تا به طعنه بگویند: «حالا مثلاً ما کوششی هستیم!»

به راستی این قدری که هنر و هنرمند در ایران، چشم دیدن همدیگر را ندارند و تنگ‌نظرانه برای هم پشت هم اندازی می‌کنند، اگر علیه هنرستیزان همدلی داشتند، خیلی امور تا حالا درست شده بود. امروز هم حسرت و اه و مدیحه‌نامه‌های اینستاگرامی در رسای او چه فایده؟ گاهی خیلی زود دیر می‌شود.

همین انفعال موجب شده برخی سواستفاده کنند و تعرض را هم به شهرهای تاریخی بزرگ را دربیآورند و حداقل مقلدان خوبی باشند. مثلاً بروند و ببینند که در تهران شهرداری

فرا رسیدن اعیاد شعبانیه سالروز ولادت با سعادت سرداران کربلا بر تمام مسلمین تبریک و تمنیت باد